

Analyzing Environmental Factors Affecting the Formation of Sardar Qassem Soleimani's Personality

Rouhollah Pourabedin^{1*}

Batoul Zarrabi^{2**}

Article Info

Article Type:

Research Article

Keywords:

Personality,
Environmental Factors,
Sardar Qassem Soleimani,
Religious Beliefs.

Submitted: 3 May 2024

Revised: 17 June 2024

Accepted: 26 June 2024

Published: 10 September 2024



ABSTRACT

Sardar Qassem Soleimani is one of the well-known figures of the present age, and the investigation of how such a character is formed can help the members of the society in raising a generation like him. In this research, an attempt has been made to investigate the environmental factors affecting the formation of his personality from birth to 1357 by referring to his manuscripts in the book "I'm not afraid of anything". The data collection method is library and the data analysis method is descriptive. Environmental factors affecting the formation of Sardar Soleimani's personality can be divided into two categories: external and internal factors. External factors include the family including father, mother, birth order, siblings, peers and friends, school, natural and geographical environment, sports, attending the mosque and in the presence of scholars, Imam Khomeini, may God have mercy on him, and the revolutionary conditions of the society. Internal ones include: will and religious beliefs.

Cite This Article: Pourabedin, R., & Zarrabi, B. (2024). Analyzing environmental factors affecting the formation of Sardar Qassem Soleimani's personality. *Journal Of Haj Qassem Soleimani School*, 1(1), 79-92 [In Persian].

Publisher: Shahid Bahonar University of Kerman.

DOI: [10.22103/mhq.2024.23369.1016](https://doi.org/10.22103/mhq.2024.23369.1016)

©The Author(s)

* **Corresponding Author**, Assistant Professor of Islamic Studies, Faculty of Humanities, Bozorgmehr University of Ghayenat, Ghayen, Iran. **Email:** hoda124@gmail.com

** M.A. of Quranic Sciences, University of Quranic Sciences and Education, Tehran, Iran. **Email:** moshaver_oz@yahoo.com

واکاوی عوامل محیطی مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت سردار قاسم سلیمانی

روح‌اله پورعابدین*^{ID}

بتول ضرابی**^{ID}

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	سردار قاسم سلیمانی یکی از چهره‌های شناخته‌شده عصر حاضر است که بررسی چگونگی شکل‌گیری چنین شخصیتی می‌تواند افراد جامعه را در تربیت نسلی همانند او یاری نماید. در این پژوهش سعی شده‌است با استناد به دست‌نوشته‌های ایشان در کتاب «از چیزی نمی‌ترسیدم»، عوامل محیطی مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت وی از بدو تولد تا سال ۱۳۵۷ مورد بررسی قرار گیرد. روش جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و روش پردازش اطلاعات، توصیفی تحلیلی است. عوامل محیطی مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت سردار سلیمانی را می‌توان به دو دسته عوامل بیرونی و درونی تقسیم نمود. عوامل بیرونی شامل خانواده اعم از پدر، مادر، ترتیب تولد، خواهران و برادران، همسالان و دوستان، مدرسه، محیط طبیعی و جغرافیایی، ورزش، حضور در مسجد و در محضر علماء امام خمینی (ره) و شرایط انقلابی جامعه می‌شود و عوامل درونی عبارتند از: اراده و اعتقادات مذهبی.
کلیدواژه‌ها: شخصیت، عوامل محیطی، شکل‌گیری شخصیت، قاسم سلیمانی، عوامل بیرونی، عوامل درونی.	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۱۴	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۳/۲۸	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۶	
تاریخ انتشار بر خط: ۱۴۰۳/۶/۲۰	
	
استناد: پورعابدین، روح‌اله و ضرابی، بتول (۱۴۰۳). واکاوی عوامل محیطی مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت سردار قاسم سلیمانی. <i>مجله مکتب درس‌آموز حاج قاسم سلیمانی</i> ، ۱(۱)، ۹۲-۷۹.	
ناشر: دانشگاه شهید باهنر کرمان	
©The Author(s)	DOI: 10.22103/mhq.2024.23369.1016

* نویسنده مسئول، استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بزرگمهر قانات، قاین، ایران. **رایانامه:** hoda124@gmail.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، ایران. **رایانامه:** moshaver_oz@yahoo.com

بیان مسأله

شخصیت هر کسی معرف مجموعه‌ای از صفات نسبتاً پایدار وی است که این صفات به تدریج و در طول زمان در وجود او شکل گرفته‌اند و عوامل متعددی در شکل‌گیری آن‌ها نقش داشته‌است. یکی از چهره‌های برجسته و تأثیرگذار معاصر، سردار قاسم سلیمانی است که اخلاق و رفتار وی تحسین هر انسان منصفی را برانگیخته‌است. یکی از سوالاتی که پیرامون ایشان مطرح می‌شود این است که چه عواملی در شکل‌گیری شخصیت وی نقش داشته‌است؛ زیرا آشنا شدن با نحوه تکوین چنین شخصیتی می‌تواند افراد جامعه را در تربیت نسلی با ویژگی‌های شخصیتی او یاری نماید. در مورد ایشان، کتب و مقالاتی نوشته شده‌است که در اغلب آن‌ها، صفات اخلاقی و رفتاری وی بیان شده و به این موضوع که چه عوامل محیطی در تکوین چنین شخصیتی تأثیر داشته، پرداخته نشده‌است. از طرفی با توجه به اینکه عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت را می‌توان به دو دسته عوامل وراثتی و محیطی تقسیم نمود، در این مقاله کوشش شده برخی از مهم‌ترین عوامل محیطی مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت سردار قاسم سلیمانی از بدو تولد تا سال ۱۳۵۷ با استناد به دست‌نوشته‌های ایشان در کتاب «از چیزی نمی‌ترسیدم» مورد بررسی قرار گیرد. این عوامل محیطی شامل عوامل بیرونی و درونی می‌شود که در بحث عوامل بیرونی به ریز موضوعات خانواده، همسالان و دوستان، محیط طبیعی و جغرافیایی، مدرسه، ورزش، حضور در مسجد و در محضر علما، امام خمینی (ره) و شرایط انقلابی و در بحث عوامل درونی، دو عامل اراده و اعتقادات مذهبی بررسی می‌شود. عوامل درونی چون از عوامل بیرونی تأثیر می‌پذیرند و عوامل بیرونی زمینه اراده و اعتقادات مذهبی فرد هستند، در این پژوهش در زمره عوامل محیطی شمرده شده است. همچنین جهت آشنایی مخاطبان با شخصیت سردار سلیمانی قبل از بیان عوامل محیطی، مطالب مختصری در مورد تعریف شخصیت، زندگی‌نامه سردار سلیمانی و مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی ایشان بیان می‌شود، که بررسی و شناسایی این عوامل می‌تواند بر افراد جامعه تأثیرگذار باشد و از آنجا که والدین به عنوان اولین مربیان انسان هستند می‌توانند از آن در تربیت فرزندان خود استفاده نمایند.

پیشینه پژوهش

در جستجوی انجام شده در دو پایگاه علمی نومگز و مگیران، آثاری مرتبط یا مشابه با موضوع این پژوهش یافت نشد، بنابراین پژوهش حاضر دارای تمایز با سایر آثار و دارای نوآوری است.

روش پژوهش

داده‌های این پژوهش به روش کتابخانه‌ای گردآوری و به روش توصیفی تحلیلی پردازش شده و یک پژوهش کاربردی است.

مفهوم شناسی

شخصیت

شخصیت از کلمه لاتین «پرسونا» گرفته شده‌است؛ پرسونا به معنای ماسک یا نقابی است که هنرپیشه‌های روم باستان بر چهره می‌زدند تا نقش یا ظاهری کاذب را نمایش دهند (فیست، ۱۳۹۷، ص ۴ و ۲۱). این تعبیر تلویحاً به این مطلب اشاره می‌نماید که شخصیت هر کس، ماسکی است که او بر چهره می‌زند تا سبب تمایز او از دیگران شود (کریمی، ۱۳۷۸، ص ۷). در اصطلاح، شخصیت به تمامی صفات یا ویژگی‌های نسبتاً پایداری گفته می‌شود که به رفتار شخص ثبات می‌بخشد (فیست، ۱۳۹۷، ص ۲۱). یا مجموعه‌ای از ویژگی‌های جسمی، روانی و رفتاری هستند که هر فرد را از افراد دیگر متمایز می‌کنند (کریمی، ۱۳۷۸، ص ۷).

زندگی‌نامه اجمالی سردار سلیمانی

قاسم سلیمانی از عشایر طایفه سلیمانی متولد سال ۱۳۳۵ در روستای قنات ملک از توابع شهرستان رابر استان کرمان است. او اصالتی لر داشت. قبل از انقلاب کارمند سازمان آب بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در اول خرداد ۱۳۵۹ به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد. به دلیل آمادگی جسمانی بالا عضو واحد آموزش و مربی پادگان آموزشی قدس کرمان شد. با شروع جنگ تحمیلی و حمله عراق به فرودگاه‌های کشور، ایشان مدتی از هواپیماهای مستقر در فرودگاه کرمان حفاظت می‌کرد و دو ماه بعد به همراه سیصد نفر از اولین نیروهای اعزامی از کرمان عازم جبهه سوسنگرد شد و فرماندهی دسته را بر عهده گرفت (سلیمانی، ۱۳۹۸، ص ۱۲).

ایشان در عملیات طریق القدس فرمانده دو گردان از رزمندگان کرمانی بود و از سال ۱۳۶۱ تا پایان جنگ فرماندهی لشکر ثارالله را بر عهده داشت. بعد از جنگ تحمیلی، سردار، فرمانده سپاه هفتم صاحب‌الزمان (عج) شد و سپس مجدداً فرماندهی لشکر مکانیزه ۴۱ ثارالله را برعهده گرفت. این لشکر به فرماندهی حاج قاسم درگیر جنگ با اشرازی شد که از مرزهای شرقی کشور هدایت می‌شدند.

سردار سلیمانی در سال ۱۳۷۹ از سوی فرمانده کل قوا حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) به عنوان فرمانده سپاه قدس انتخاب شد (سلیمانی، ۱۳۹۸، ص ۱۳ و ۱۴). و پس از سال‌ها فعالیت در این سمت در بامداد جمعه ۱۳ دی ماه ۱۳۹۸ در اثر حمله نیروهای آمریکایی در نزدیکی فرودگاه بغداد به شهادت رسید (طهماسبی، موسوی و قربانی، ۱۳۹۹، ص ۹).

ویژگی‌های بارز شخصیتی سردار سلیمانی

سردار قاسم سلیمانی از دوران کودکی نماز می‌خواند (سلیمانی، ۱۳۹۹، ص ۴۶). به ماه رمضان علاقه داشت (همان، ص ۳۸). با روضه امام حسین (ع) رشد کرده بود (همان، ص ۵۵). و معتقد بود «ما ملت امام حسینیم» (انتشارات تقدیر، ۱۳۹۹، ص ۱۶۲) علاقه‌مند به حضرت زهرا (س) بود و هر سال ایام فاطمیه ده شب روضه برگزار می‌کرد (طهماسبی، موسوی و قربانی، ۱۳۹۹، ص ۱۴۲ و ۱۴۳). مأنوس با نافله شب (همان، ص ۳۱) و تلاوت قرآن (همان، ص ۳۲ و ۱۴۹) بود. به زیارت مسجد جمکران، حرم حضرت معصومه (س) و قبور ائمه اطهار (ع) می‌رفت (طهماسبی، موسوی و قربانی، ۱۳۹۹، ص ۱۷۱) به شهدا ارادت داشت و برای ثبت خاطرات شهدا تلاش و پیگیری می‌نمود (انتشارات تقدیر، ۱۳۹۹، ص ۷۲). عاشق شهادت بود و در متن وصیتنامه از دل‌تنگی جاماندن از کاروان شهدا نوشت (طهماسبی، موسوی و قربانی، ۱۳۹۹، ص ۲۳۶). دیدار با خانواده شهداء جزء برنامه ثابت زندگی وی بود (همان، ص ۱۲۷؛ ۱۵۰؛ ۲۰۷). اهل احتیاط و رعایت کامل حدود شرعی در تمام دوران زندگی از جمله ایام نوجوانی (همان، ص ۱۲) و در تمام عرصه‌ها حتی عرصه نظامی بود (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸). متواضع (طهماسبی، موسوی و قربانی، ۱۳۹۹، ص ۷۰؛ ۷۱؛ ۱۲۶) و ولایت مدار (همان، ص ۸۰؛ ۱۶۸؛ ۱۶۹) بود. ولایت فقیه را اصل می‌دانست (سلیمانی، ۱۳۹۸، ص ۱۵۸). در متن وصیت‌نامه به برادران و خواهران خویش توصیه نمود که خیمه ولایت را رها نکنند. (طهماسبی، موسوی و قربانی، ۱۳۹۹، ص ۲۳۸) و از سیاسیون خواست تا اعتقاد عملی به ولایت فقیه داشته‌باشند. (همان، ص ۲۴۳) به پدر و مادر احترام می‌گذاشت (انتشارات تقدیر، ۱۳۹۹، ص ۱۹). خود را خدمتگزار می‌دانست (طهماسبی، موسوی و قربانی، ۱۳۹۹، ص ۱۷۴). و به حفظ کرامت انسان‌ها اهمیت فراوان می‌داد (انتشارات تقدیر، ۱۳۹۹، ص ۱۳۷). نسبت به مردم و جامعه احساس مسئولیت می‌کرد و جامعه را خانواده خود می‌دانست (همان، ص ۸۸). از آن زمان که در کودکی غذایش را در مدرسه به دوست فقیرش می‌داد (همان، ص ۱۸) تا آن زمان که فرمانده سپاه قدس بود و در عین حال ساده و بی‌تکلف برای کمک به مردم سیل‌زده به خوزستان رفت (همان، ص ۱۴۰-۱۳۷) همه گواه این احساس مسئولیت و بی‌تفاوت نبودن وی در قبال افراد جامعه بود. انجام تکلیف جایگاه ویژه‌ای در زندگی وی داشت (طهماسبی، موسوی و قربانی، ۱۳۹۹، ص ۶۱؛ ۱۷۴). از کودکی حالتی از نترسی داشت (سلیمانی، ۱۳۹۹، ص ۲۷). ورزش باستانی، کاراته و وزنه‌برداری را تجربه کرده بود (همان، ص ۵۳). استاد کاراته بود. به فوتبال نیز علاقه داشت (انتشارات تقدیر، ۱۳۹۹، ص ۱۸). ایشان با اخلاص زندگی کرد. اهل تظاهر و ریا نبود. شجاعت و تدبیرش را برای خدا خرج کرد (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸) بارها و بارها جانش را در معرض تهاجم دشمن قرار داد و برای خدا و در راه خدا مخلصانه مجاهدت کرد (همان، ۱۳۹۷/۱۲/۱۹). و در متن وصیت‌نامه‌اش اشاره کرد که جز دیدار حضرت حق، چیز دیگری نمی‌خواهد (طهماسبی، موسوی و قربانی، ۱۳۹۹، ص ۲۳۶). بررسی عملکرد ایشان در مسئولیت‌های مختلف نشان داد که وی فردی مدیر، مدبر، پرتلاش، دارای استقامت و جدیت در کار و اهل توکل و توسل بود و مبارزه با دشمنان انقلاب اسلامی و مبارزه با هوای نفس را همزمان انجام می‌داد.

با توجه به مطالب فوق و رسالتی که این مقاله برای خود تعریف نموده‌است باید به این پرسش پاسخ داد که چه عواملی در ایجاد شخصیت سردار قاسم سلیمانی نقش داشته‌است و نهایتاً شناخت این عوامل و این شخصیت چه تأثیری بر جامعه می‌گذارد؟

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت

عوامل ایجاد کننده شخصیت را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود؛ عوامل وراثتی و عوامل محیطی. عوامل وراثتی که ویژگی‌های جسمی شخصیت را می‌سازند (کریمی، ۱۳۷۸، ص ۲۰). از عوامل تأثیر گذار پیشینی هستند و توسط ژن‌ها به فرد منتقل می‌شوند و

فرد و محیط پیرامون آن، نقشی در ایجاد آن‌ها ندارد (همت بناری، ۱۳۸۶، ص ۱۰۳). عوامل محیطی، زمینه‌ساز رشد و توسعه جنبه‌های وراثتی و ایجادکننده بسیاری از ویژگی‌ها و خصوصیات اکتسابی فرد هستند (کریمی، ۱۳۷۸، ص ۲۰). که ژن‌ها نقشی در ایجاد آن‌ها ندارند و از محیط پیرامون فرد نشأت می‌گیرند و عمدتاً بعد از تولد، وی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (همت بناری، ۱۳۸۶، ص ۱۰۳). با توجه به توضیحاتی که در مورد عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت بیان شد، می‌توان عوامل ایجادکننده شخصیت سردار سلیمانی را به دو گروه عوامل وراثتی و عوامل محیطی تقسیم نمود. در این مقاله، تنها عوامل محیطی مورد بررسی قرار می‌گیرد و از عوامل وراثتی سخنی به میان نمی‌آید؛ زیرا این عوامل مربوط به ویژگی‌های جسمی هستند و از طریق ژن‌ها منتقل می‌شوند. البته عوامل محیطی به دو دسته بیرونی و درونی تقسیم شد به این علت که عوامل بیرونی بر عوامل درونی یعنی اراده و اعتقادات مذهبی تأثیر گذارند. قبل از بیان عوامل محیطی مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت سردار سلیمانی ابتدا لازم است زندگی‌نامه و ویژگی‌های شخصیتی ایشان به صورت مختصر بررسی شود.

عوامل محیطی مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت سردار سلیمانی

عوامل محیطی ایجادکننده شخصیت سردار را می‌توان به دو گروه، عوامل بیرونی و عوامل درونی تقسیم نمود.

عوامل بیرونی

عوامل بیرونی به عواملی گفته می‌شود که از بیرون بر وجود انسان تأثیر می‌گذارند (همت بناری، ۱۳۸۶، ص ۱۰۳). که در ادامه به بررسی این عوامل و نقش آن‌ها در چگونگی شکل‌گیری شخصیت سردار سلیمانی پرداخته می‌شود.

خانواده

یکی از مهم‌ترین عوامل محیطی بیرونی مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت، خانواده است. این تأثیر در دوران اولیه زندگی انسان بسیار محسوس است (همت بناری، ۱۳۸۶، ص ۱۰۴). خانواده از نظر تعداد نفرات، ارتباطات با فرزند و در اختیار گذاشتن امکانات مختلف می‌تواند در رشد شخصیت فرد مؤثر باشد (کریمی، ۱۳۷۸، ص ۴۱).

نقش خانواده بر شکل‌گیری شخصیت به طور عمده در سه محور مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ تأثیر والدین، ترتیب تولد، تأثیر سایر اعضای خانواده (همت بناری، ۱۳۸۶، ص ۱۰۴). بنابراین در مورد سردار سلیمانی نیز به بررسی نقش والدین، ترتیب تولد و خواهران و برادران پرداخته می‌شود.

الف) والدین

اصلی‌ترین عناصر تأثیر گذار خانواده، پدر و مادر هستند که بیشترین نقش را در شکل‌گیری شخصیت فرد دارند. در مرحله کودکی شخصیت فرد، انعکاس شخصیت والدین است و آنان نقش الگویی در زندگی کودک دارند (همت بناری، ۱۳۸۶، ص ۱۰۵-۱۰۴).

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت سردار قاسم سلیمانی نیز پدر و مادر است. حاج قاسم معتقد است نوع رفتار پدر و مادرشان سبب شده بود تا ایشان بدون اینکه حقیقت دین و اصول و فروع آن را بدانند به دین علاقه‌مند شود (سلیمانی، ۱۳۹۹، ص ۳۸). همچنین مناعت طبع و عزت نفس را نیز از آنان بیاموزد (همان، ص ۴۸).

نقش پدر

پدر حاج قاسم، حسن نام داشت که علی‌رغم جسم ضعیف، خیلی قوی و شجاع بود (همان، ص ۴۰). او اهل کار و تلاش بود به گونه‌ای که با وجود اینکه در ابتدای زندگی مشترک، زندگی فقیرانه‌ای داشت ولی به تدریج صاحب دام‌هایی شد و گاهی اوقات یک یا چند چوپان هم استخدام می‌کرد (همان، ص ۲۱). وی همزمان با کار دامداری به کشاورزی هم مشغول بود.

حاج حسن مقید به انجام تکالیف عبادی بود و به شدت به نماز اول وقت اهمیت می‌داد. وقت نماز صبح را از روی ستاره‌ها و وقت نماز ظهر را با توجه به سایه‌ها تشخیص می‌داد. موضوع نماز آن قدر برای او مهم بود که به همسرش توصیه می‌کرد ما را با آدم بی‌نماز شریک نکن (همان، ص ۳۸). و از آن‌ها به عنوان مهمان پذیرایی نکن. همچنین پدر روزی تمام عکس‌های بازیکنان و خواننده‌هایی که برادر بزرگ‌تر حاج قاسم بر دیوار چسبانده بود را به دلیل اینکه در سمت قبله و جلوی نماز قرار داشتند، پاره کرد

(همان). این رفتارهای پدر سبب شده بود تا حاج قاسم از دوران کودکی نماز بخواند و حتی صدای نمازخواندن پدر و دویستی که پدر پس از سجده زمزمه می کرد را به خاطر داشته باشد (همان، ص ۴۶).

پدر به غسل نیز اهمیت فراوان می داد و حتی در سرمای زمستان در قنات ده غسل می کرد. نکته جالب در دست نوشته های سردار این است که وی به یاد دارد که پدرش دو مرتبه بر سر این موضوع با مادر بحث کرد و این نشان دهنده اهمیت این موضوع برای پدر و تذکر این اهمیت به خانواده است. حاج حسن زکات مالش را به موقع می پرداخت و در رعایت حلال و حرام دقت می کرد. به زیارت امام رضا (ع) نیز مشرف شده بود. به همین دلیل به «مَشْدی حسن» مشهور بود. وی مقید به روزه گرفتن خود و اعضای خانواده در ماه مبارک رمضان بود و به همسرش تأکید می کرد حق ندارد به آدم بی روزه ای که مهمان آن ها می شود، غذا بدهد (همان، ص ۳۷). همچنین وی بسیار مهمان نواز بود و با وجود اینکه خودش پنج فرزند داشت و همسرش باید خیلی دقت می کرد تا گندم، کفاف زندگی شان را بنماید ولی همواره در خانه پذیرای مهمان بود که اغلب مهمان ها هم غریبه بودند و چون معتقد بود مهمان حبیب خداست، همیشه خود و اعضای خانواده با مهمان خوش رفتار بودند به نحوی که حاج قاسم به خاطر ندارد هرگز بی توجهی یا اخمی در خانه شان به مهمان شده باشد (همان، ص ۳۵).

پدر سردار سلیمانی در مقابل مشکلات دیگران احساس مسئولیت می کرد. او زنی تقریباً پنجاه ساله را که مریض بود و همه او را رها کرده بودند به خانه برد و همسرش چهار سال از آن خانم پذیرایی کرد تا از دنیا رفت. رفتار پدر و مادر حاج قاسم با آن زن به گونه ای بود که سردار هرگز ندید پدر یا مادر در این مورد با هم دعوا کنند و این نشان دهنده تفاهم پدر و مادر در مراقبت از آن خانم است (همان، ص ۳۶).

پدر به شدت علاقه مند به فرزندان بود و نسبت به شرایط آن ها احساس مسئولیت می کرد. به عنوان مثال وقتی حاج قاسم در دوران کودکی در یک زمستان سرد مریض شد و استفاده از داروهای محلی تأثیری در بهبودی وضعیت او نداشت، پدر به همراه مادر فرزند را با سختی و مشقت فراوان به دکتر رساند (همان، ص ۲۱). و یا زمانی که مدیر مدرسه، حاج قاسم را به علت سیاهی پوست دستش کتک زد، پدر، مدیر را مؤاخذه کرد که چرا پسرش را می زند (همان، ص ۳۰). و یا زمانی که حاج قاسم چهارده ساله پس از نه ماه کار کردن در کرمان به خانه بازگشت، پدر خوشحال از دیدن پسر به سرعت و پشت سر هم از سختی کار فرزند و از نوع رفتار همکارانش با او می پرسید (همان، ص ۵۲). البته این علاقه پدر به فرزند مانع مسئولیت دادن به وی نمی شود. پدر از قاسم ده ساله می خواهد تا به تنهایی گاو را به ده دیگری در پانزده کیلومتری روستایشان ببرد. همچنین او را با خود، شی برای نگهداری از گندم های درو شده به سر زمین می برد که گرازها حمله می کنند و او همراه پدر بالای درخت انجیر می روند. فریاد پدر برای فراری دادن آن ها بی فایده است؛ بنابراین نظاره گر صحنه تخریب بخشی از دسته های گندم توسط گرازها می شوند (همان، ص ۲۸). حتی پدر به فرزندان توصیه کرده بود، حق ندارند چیزی که اعتیادآور است، بخورند (همان، ص ۳۹).

با توجه به مطالب فوق، پدر سردار سلیمانی، فردی مقید به مسائل عبادی، مهمان نواز، با احساس مسئولیت بالا نسبت به افراد جامعه، علاقه مند به فرزندان و در عین حال اهل واگذاری مسئولیت به فرزندان و راهنمایی و ارشاد کردن آنان است. حال این ویژگی ها می تواند بر شخصیت فرزندان و از جمله شهید سلیمانی تأثیر عملی بگذارد چون عمل بیش از سخن تأثیرگذار است.

نقش مادر

مادر حاج قاسم در سن چهارده سالگی با حاج حسن ازدواج کرد (سلیمانی، ۱۳۹۹، ص ۲۱). با توجه به ساختار قبیله ای و عشایری منطقه، مادر در این خانواده نقش ویژه ای داشت. برخی از کارهایی که مادر انجام می داد عبارت بودند از: مدیریت آذوقه سال، برپایی سیاه چادر، پخت نان و غذا، دوشیدن شیر گوسفندان و تهیه ماست، حمام کردن بچه ها، شستن و ضد عفونی کردن لباس ها، تمیز و مرتب کردن خانه، کمک به کارهای کشاورزی (همان، ص ۳۰-۲۳). مادر به شدت علاقه مند به حاج قاسم بود و حاج قاسم نیز به شدت به مادر علاقه داشت. مصادیق این علاقه متقابل در دست نوشته های سردار کاملاً مشهود است مصادیقی مانند:

۱- حاج قاسم به جای دو سال، سه سال شیر می خورد و روز جدایی از سینه پُر مهر مادر را روزهای سختی ترسیم می کند (همان،

ص ۲۲).

۲- زمانی که مادر، حاج قاسم را بر پشت می‌بست تا بتواند مسئولیت‌های مادری، همسری و زن‌عشایری بودن را با هم انجام دهد، سردار آرامش عجیبی در پشت مادر داشت و احساس می‌کرد مادر هم از حرارت وجود او آرامش می‌یابد (همان).

۳- تشبیه حاج قاسم از خودش هنگامی که راه رفتن را آغاز کرده‌است به جوجه اردکی که به دنبال مادر راه می‌رود و زمین می‌خورد، خار در دست و پایش فرو می‌رود و مادر با آرامش آن خارها را بیرون می‌آورد و محل زخم را مرهم می‌نهد (همان، ص ۲۳). نشان دیگری از این علاقه تقابل است.

۴- زمانی که قاسم چهارده ساله پس از نه ماه کار کردن در کرمان به خانه باز می‌گردد. مادر شادمان از بازگشت پسر، جوجه خروسی می‌کشد و شام مفصلی تهیه می‌کند و البته حاج قاسم نیز در طول این نه ماه بسیار دلتنگ مادر می‌شود و بارها به یاد او گریه می‌کند و پس از بازگشت برای اعضای خانواده سوغاتی می‌آورد (همان، ص ۵۲-۵۱).

۵- با اوج‌گیری انقلاب در کرمان، مادر به خاطر نگرانی برای حاج قاسم و برادر کوچک‌ترش که در کرمان کار می‌کردند به آنجا می‌رود و حاج قاسم را قسم می‌دهد که در درگیری‌ها شرکت نکند (همان، ص ۷۴).

علاوه بر این محبت وافر و متقابل مادر و فرزند، مادر انجام کار گروهی و رعایت حقوق دیگران را نیز به فرزندان می‌آموزد به عنوان نمونه در آن منطقه آش به صورت گروهی پخت می‌شد و مادر حاج قاسم نیز در پخت آش مشارکت می‌کرد (همان، ص ۲۹). یا رسمی به نام «شیر پیمانه» وجود داشت که عموماً در اوایل تابستان افرادی که شیر گوسفندان‌شان کم بود با هم یک گروه تشکیل می‌دادند و هر کدام یک روز، کل شیر، سهم آنان بود. مادر نیز در این گروه مشارکت داشت و روزی که بچه‌ها از مادر ماست می‌خواستند، مادر تذکر می‌داد که امروز شیر نوبت ما نیست و به این ترتیب رعایت حقوق دیگران و انجام کار گروهی را به فرزندان آموزش می‌داد (همان، ص ۲۶-۲۵).

مادر وظیفه اصلی پذیرایی از مهمانان را برعهده داشت و چون مهمان را حیب خدا می‌دانست هیچ بی‌توجهی به مهمان روا نمی‌داشت (همان، ص ۳۵). او نسبت به شرایط دیگران احساس مسئولیت می‌کرد به عنوان مثال بدون هیچ اعتراضی چهار سال از زنی مریض در خانه خود مراقبت نمود تا آن خانم درگذشت (همان، ص ۳۶) و یا هر روز چند دسته نان به دو دختر همسایه که فقیر و گرسنه بودند و نان پختن وی را تماشا می‌کردند، می‌داد (همان، ص ۳۰). همچنین رفتار مادر در علاقه‌مند شدن حاج قاسم به دین مؤثر بود (همان، ص ۳۸).

بنابراین مادر حاج قاسم، مهربان و دلسوز، سخت‌کوش و پرتلاش، مهمان‌نواز و بخشنده، مقید به رعایت حقوق دیگران و دارای احساس مسئولیت در قبال شرایط سخت زندگی دیگران بود. این ویژگی‌های مادر می‌تواند تأثیر خیلی زیادی بر شخصیت سردار سلیمانی و فرزندان داشته باشد.

ب) ترتیب توالد

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت فرد در خانواده، ترتیب توالد است. اینکه فرد چندمین فرزند خانواده است در شکل‌گیری شخصیت او و میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری وی مؤثر است (همت بناری، ۱۳۸۶، ص ۱۰۶). حاج قاسم فرزند سوم خانواده است. که یک خواهر و برادر بزرگ‌تر و یک خواهر و برادر کوچک‌تر دارد (سلیمانی، ۱۳۹۹، ص ۳۵ و ۲۱). بدین شکل وی فرزند وسط خانواده است و ضمن تأثیرپذیری از خواهر و برادر بزرگ‌تر بر خواهر و برادر کوچک‌تر تأثیر می‌گذارد که این را در نوع ارتباط خواهران و برادران در خانواده می‌توان دید.

ج) خواهران و برادران

عامل دیگری که بر شکل‌گیری شخصیت فرد در خانواده تأثیر دارد، خواهران و برادران به ویژه خواهران و برادران بزرگ‌تر هستند (همت بناری، ۱۳۸۶، ص ۱۰۶). آن‌ها می‌توانند به عنوان سرمشق و الگو برای کودکان بعدی مطرح شوند (کریمی، ۱۳۷۸، ص ۴۲). در مورد سردار سلیمانی نیز این عامل یکی از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت ایشان است. با مطالعه دست‌نوشته‌های ایشان می‌توان با نوع رابطه بین خواهران و برادران و نحوه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن‌ها آشنا شد.

خواهران و برادران ارتباط خوبی با هم دارند. یکی از کارهایی که آن‌ها در زمستان انجام می‌دادند، گذاشتن سیب‌زمینی زیر آتش و پختن و خوردن آن بود و سپس به کنار دیواری می‌رفتند که آفتاب بر آن تابیده بود تا گرم شوند (سلیمانی، ۱۳۹۹، ص ۲۴).

خواهر و برادر بزرگ‌تر حامی و الگوی خواهران و برادران کوچک‌تر بودند به عنوان نمونه؛ خواهر بزرگ‌تر خیلی شجاع بود. او وقتی معلم برادرها را تنبیه می‌کرد با چوب کوچکی به معلم حمله می‌کرد و به او اعتراض می‌نمود که چرا برادرهایش را می‌زند (همان، ص ۳۱). برادر بزرگ‌تر بعد از پدر، خود را بزرگ‌تر می‌دانست و سعی می‌کرد این بزرگ‌تری را در امر و نهی عموماً زورگویانه به حاج قاسم اعمال کند (همان، ص ۳۴). برادر بزرگ‌تر تصمیم می‌گیرد برای پرداخت قرض پدر از بانک تعاون روستایی به مبلغ نهصد تومان برای کارکردن به کرمان برود ولی موفق به پیدا کردن کار نمی‌شود و با دست خالی به خانه برمی‌گردد (همان، ص ۴۱) با بازگشت وی، حاج قاسم چهارده ساله تصمیم می‌گیرد به کرمان برود که پس از جلب رضایت پدر و مادر به کرمان می‌رود و پس از پنج ماه می‌تواند مبلغ هزار تومان برای پدر بفرستد تا بدهی خود را پرداخت کند (همان، ص ۵۱).

برای حاج قاسم خواهران و برادرانش و به ویژه دو خواهرش، خیلی عزیز بودند. وی زمانی که پس از نه ماه کار کردن در کرمان به خانه برگشت، برای همه سوغاتی آورد (همان، ص ۵۲). همچنین او نقش حمایتگری و الگویی برای برادر کوچک‌تر داشت. در سال ۱۳۵۴ برای کمک به پدر، برادر کوچک‌تر را همراه خود به کرمان برد (همان، ص ۵۵). و به تدریج با آغاز فعالیت‌های انقلابی حاج قاسم، برادر کوچک‌تر نیز با او همراه شد و مانند او به یک انقلابی ضدشاه و طرفدار امام خمینی (ره) تبدیل شد (همان، ص ۶۵). و یا وی با کمک دوستش برای برادر کوچک‌تر یک ساعت کوکی خرید و به او گفت اگر ساعت را روی پنج صبح کوک کنی و بیدار شوی، ساعت خراب نمی‌شود. برادر به حرف او گوش داد و پنج صبح با صدای زنگ ساعت بیدار شد. حاج قاسم به او گفت: «حالا که بیدار شدی، نماز صبحت را هم بخوان» (طهماسبی، موسوی و قربانی، ۱۳۹۹، ص ۱۱).

حاج قاسم نسبت به شرایط برادر بزرگ‌تر نیز احساس مسئولیت می‌کرد و بی‌تفاوت نبود. مثلاً زمانی که برادر بزرگ‌تر در کرمان سرباز بود. از برادر خواست تا اگر مسؤولین پادگان اجازه می‌دهند او به جای برادر خدمت سربازی را انجام دهد تا برادر نزد پدر، مادر و نامزدش برگردد که با توجه به مخالفت مسؤولان، این امر محقق نشد (انتشارات تقدیر، ۱۳۹۹، ص ۱۸). و یا زمانی که مأموران ژاندارمری به اتفاق کدخدا با ساز و دُهل و شعار «جاوید شاه» در روز عاشورای سال ۱۳۵۷ به جلوی خانه حاج حسن سلیمانی که ضد شاه بود، رفتند و برادر بزرگ‌تر با دیدن این اقدامات در روز عاشورا دچار مشکلات روحی شدید شد، وی از کرمان به روستا برگشت و سه روز همراه برادر بود؛ او را به بیرون از خانه برد، با او در مورد انقلاب، سقوط شاه و اخبار شهرها سخن گفت تا حال برادر بهتر شد سپس دوباره به کرمان بازگشت (سلیمانی، ۱۳۹۹، ص ۷۴-۷۳).

با توجه به مطالب فوق به نظر می‌رسد خواهران و برادران حاج قاسم یک رابطه متقابل عاطفی، حمایتگری و الگو بودن نسبت به هم دارند. خواهر و برادر بزرگ‌تر حامی و الگوی خواهران و برادران کوچک‌تر از جمله حاج قاسم هستند و وی نیز حامی و الگوی برادر کوچک‌تر است و نسبت به شرایط برادر بزرگ‌تر نیز احساس مسئولیت می‌کند و همه بچه‌ها نسبت به شرایط پدر و مادر احساس مسئولیت می‌نمایند به همین دلیل برادر بزرگ‌تر در روستا کمک کار پدر و مادر است و حاج قاسم و برادر کوچک‌تر در کرمان کار می‌کنند تا هزینه‌های زندگی آن‌ها بر عهده پدر نباشد.

همسالان

یکی دیگر از عوامل محیطی بیرونی مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت فرد، همسالان و دوستان هستند. همسالان از طریق همکاری با هم، انتقادپذیری و ظرفیت‌سازی اجتماعی متقابل و شکل‌گیری هویت گروهی و احساس ما بودن بر شخصیت یکدیگر تأثیر می‌گذارند (کریمی، ۱۳۷۸، ص ۴۴). بررسی دست‌نوشته‌های سردار سلیمانی نشان می‌دهد، این عامل نیز در شکل‌گیری شخصیت ایشان مؤثر بوده‌است.

دوران کودکی حاج قاسم و دوستانش با بازی، کار و رفتن دسته‌جمعی به مدرسه‌گذشت. آن‌ها در زمستان برف بازی و قایم باشک بازی می‌کردند (سلیمانی، ۱۳۹۹، ص ۲۴). و در بهار به چوپانی گوسفندان مشغول بودند (همان، ص ۳۳). و برای رفتن به مدرسه مسیر ارتفاعات تنگل که محل اسکان بهار ایل بود تا روستای قنات ملک که روستای زمستان نشین ایل بود را با دوستان پیاده می‌پیمودند (همان، ص ۲۶).

مطالعه دست‌نوشته‌های سردار نشان می‌دهد در بین دوستان ایشان، افرادی بودند که به طور ویژه در تعیین مسیر وی مؤثر بوده‌اند که در ذیل به معرفی و نحوه تأثیرگذاری آن‌ها پرداخته می‌شود.

الف) احمد سلیمانی

احمد پسر عموی حاج قاسم و متولد سال ۱۳۳۶ بود. آن‌ها مثل برادر بودند. زمانی که حاج قاسم تصمیم می‌گیرد برای پیدا کردن کار و پرداخت قرض پدر به کرمان برود او نیز با سردار همراه می‌شود (همان، ص ۴۲). آن‌ها بعد از گذشت بیش از نه ماه کار کردن در کرمان، اتاقی اجاره می‌کنند و در آن ساکن می‌شوند (همان، ص ۵۳). حاج قاسم به پیشنهاد احمد در جلسه ترجمه و تفسیر قرآن آیت الله عباس حقیقی در مسجد قائم شرکت کرد و این آغازی برای شرکت وی در جلسات تکیه فاطمیّه و مسجد ملک یا امام و شکل‌گیری تدریجی روح و تعصب مذهبی در وجود ایشان شد (همان، ص ۵۶). احمد و حاج قاسم هر دو انقلابی ضد شاه و طرفدار امام خمینی (ره) شدند که بر روی دیوارها شعار می‌نوشتند (همان، ص ۶۵) همچنین در ماجرای حمله مأموران ژاندارمری به مسجد جامع کرمان و آتش زدن آن، آنجا حضور دارند و به پشت بام شبستان مسجد می‌روند و آیت الله صالحی پیش نماز مسجد را از پنجره شبستان به بیرون منتقل می‌کنند (همان، ص ۷۲-۷۱).

ب) قاسم

قاسم نام پسر جوانی است که در هتل کسری کار می‌کرد. زمانی که حاج قاسم با توجه به سن کم برای کار به آنجا می‌رود وی مهم‌ترین پشت‌گرمی، حامی و مراقب سردار می‌شود تا او بتواند در آن هتل مشغول به کار شود (همان، ص ۴۹).

ج) علی یزدان‌پناه

علی پسر حاج محمد مسؤول هتل کسری است. او کسی است که اولین بار در سال ۱۳۵۳ تصورات حاج قاسم در مورد شاه را تغییر داد؛ زیرا تا آن زمان، شاه در ذهن حاج قاسم خیلی ارزشمند بود ولی علی با سخنانش در مورد فساد شاه و خانواده‌اش افکار وی را دستخوش تغییر و دوگانگی کرد. این ماجرا سبب تداوم دوستی آن دو می‌شود و به تدریج حاج قاسم بیشتر با این مسائل آشنا می‌شود (همان، ص ۵۵-۵۴). سردار هم متقابلاً سال ۱۳۵۶ زمانی که با آیت الله خمینی (ره) آشنا می‌شود، عکس امام را به علی نشان می‌دهد و او را با ایشان آشنا می‌کند (همان، ص ۶۴). آن‌ها در سال ۱۳۵۵ تصمیم به مقابله با برنامه جشنی گرفتند که در آن همه خواننده‌ها و رقاصه‌های معروف حضور داشتند و با هدف ترویج فساد برنامه اجرا می‌کردند. حاج قاسم، علی و فتحعلی شب، هنگامی که همه مشغول تماشای برنامه بودند ۱۵۰ موتور و چرخ را با کشیدن کرمک یا والف آن‌ها پنجر می‌کنند و بدون جلب توجه فرار می‌نمایند (همان، ص ۵۷).

د) بهرام فرجی

بعد از اینکه افکار حاج قاسم توسط علی یزدان‌پناه در مورد شاه دستخوش دوگانگی شد بهرام که پدرش پسر دایی پدر حاج قاسم بود با وی در مورد ظلم شاه و ممانعت او برای برگزاری روضه امام حسین (ع) سخن گفت (همان، ص ۵۵) و به این ترتیب سخنان او مکمل سخنان علی یزدان‌پناه شد و فضای روشن‌تری فراروی سردار قرار داد.

ه) دو جوان سرامیک کار

سردار در دست‌نوشته‌های خویش نام این دو جوان را ذکر نمی‌کند و فقط در مورد نحوه آشنایی و تأثیر آنان بر خود مطالبی می‌نگارد. حاج قاسم زمانی که تصمیم گرفت یک شغل تخصصی‌تر انتخاب کند با دو جوان سرامیک کار تهرانی آشنا شد که به شدت مذهبی، ضد شاه و با اخلاق بودند. با اصرار آن‌ها، سردار شش ماه با آن‌ها کار کرد. اخلاق خوب آنان بر حاج قاسم تأثیر زیادی داشت ولی به تدریج متوجه شد که آنان عضو سازمان مجاهدین خلق هستند و اصرار زیادی داشتند او را نیز با خود همراه کنند ولی مریض شدن حاج قاسم و بستری شدنش در بیمارستان سبب قطع ارتباط آن‌ها با هم شد و آن دو جوان به تهران بازگشتند (همان، ص ۵۸). البته بعد از آشنایی سردار با امام خمینی (ره) این سؤال برایش مطرح بود که چرا این دو جوان با وجود رفاقت صمیمی که با حاج قاسم داشتند و حرف‌های زیادی که بر ضد شاه می‌زدند، نامی از امام خمینی نبردند (همان، ص ۶۴).

و) سید جواد و حسن

سردار در نوشته‌هایش از این دو جوان به همین شکل نام می‌برد و توضیح بیشتری در مورد نام و نشان آن‌ها نمی‌دهد. حاج قاسم در اوایل سال ۱۳۵۶ برای اولین بار به زیارت امام رضا (ع) در مشهد رفت و در چهار روزی که در مشهد بود بعد از زیارت به یک زورخانه نزدیک حرم می‌رفت. در آنجا با سید جواد و دوستش حسن آشنا شد. آن‌ها از وی در مورد دکتر علی شریعتی و آیت

الله خمینی (ره) پرسیدند، هنگامی که متوجه شدند او، آن‌ها را نمی‌شناسد، گفتند: شریعتی معلّمی ضدّ شاه و نویسنده چند کتاب است و سپس توضیحات مفصّلی در مورد آیت الله خمینی (ره) دادند و با احتیاط کامل عکس امام خمینی (ره) را به حاج قاسم دادند و به او سفارش کردند کسی نباید این عکس را ببیند و گرنه دستگیر می‌شود. ایشان در حالی که عکس را زیر پیراهن چسبیده به قلبش پنهان کرده بود به کرمان برگشت. این اولین آشنایی سردار سلیمانی با امام خمینی (ره) بود که توسط سیّد جواد و دوستش حسن رقم خورد (همان، ص ۶۴-۶۱).

مطالب فوق نشان می‌دهد دوستان حاج قاسم زمینه آشنایی ایشان با مسجد، علما و فساد و ظلم شاه را فراهم نمودند و در فعالیت‌های انقلابی نیز همراه هم بودند و به لحاظ اخلاقی، اعتقادی، فکری و فرهنگی بر هم تأثیر متقابل داشتند.

مدرسه

یکی دیگر از عوامل محیطی بیرونی مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت فرد، مدرسه است. مدرسه در اجتماعی شدن فرد و انتقال ارزش‌ها و الگوهای رفتاری همسو با خانواده و فرهنگ جامعه و انگیزه پیشرفت تحصیلی و شغلی وی نقش دارد به گونه‌ای که اگر محیط مدرسه، محیطی گرم و محبت‌آمیز باشد، دانش‌آموزان علاقه‌مند به درس و تحصیل خواهند شد ولی اگر محیط مدرسه، محیطی خشن و تنبیهی باشد، می‌تواند ذوق و علاقه شاگرد را نسبت به مدرسه سرکوب نماید و او را از درس و مدرسه بیزار کند (کریمی، ۱۳۷۸، ص ۴۶).

دست‌نوشته‌های سردار سلیمانی نشان می‌دهد مدرسه محلّ تحصیل ایشان در روستای قنات ملک، جوی خشن و تنبیهی داشته‌است به همین دلیل تعطیل شدن مدرسه و دریافت کارنامه قبولی با نمره سیزده برای ایشان اهمیتی نداشت. آنچه مهم بود شاخه‌های درخت بید خوابانده شده در آب برای تنبیه بچه‌ها بود. بی‌رحمی مدیر در زدن بچه‌ها، سرما و گرسنگی همه دست به دست هم داده بودند تا جوی خشن در مدرسه رقم بخورد. مدیر مدرسه عموماً هر شب مهمان یکی از اهالی روستا بود و دانش‌آموزان وظیفه داشتند اتاق او را تمیز کنند. معلّم مدرسه هر سال تغییر می‌کرد. بهترین معلّم ایشان، اولین معلّم سال اول دبستان بود که خیلی مهربان بود. در زمستان سرد و پر برف منطقه، همه به بخاری مدرسه پناه می‌بردند. صفا و خوشی آن مدرسه، توزیع بیسکویت گرجی در زنگ تفریح بود. حاج قاسم اولین بار بود که بیسکویت می‌خورد و شیرینی طعم آن را در کام داشت (سلیمانی، ۱۳۹۹، ص ۳۲-۳۰) و معتقد بود هیچ شیرینی دیگری به اندازه آن بیسکویت در عالم بچگی و گرسنگی این قدر مزه نداشت (همان، ص ۴۶).

محیط طبیعی و جغرافیایی

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت فرد، محیطی است که در آن متولّد شده و رشد کرده‌است. نوع آب و هوا، نوع تغذیه و آداب و رسومی که در آن منطقه رواج دارد، سازنده شخصیت فرد است. سردار سلیمانی در دست‌نوشته‌های‌شان از طبع عشایری و روحیه سلحشوری عشایری نام می‌برد که سبب شده بود ایشان عزت نفس و شجاعت خاصی داشته‌باشد (همان، ص ۴۸؛ ۶۵). به نظر می‌رسد ایشان این روحیه را از محیط طبیعی و جغرافیایی و سبک زندگی آن منطقه به ارث برده‌است؛ زیرا خانواده سردار سلیمانی از عشایر لرنژاد ساکن در چشمه‌های هلیل رود بودند (همان، ص ۱۹). که زمستان را در روستای قنات ملک و بهار را در ارتفاعات تنگل سپری می‌کردند. شغل افراد آن منطقه کشاورزی و دامداری بود. بچه‌ها زمستان‌های بسیار سرد و سخت منطقه را با پیراهن و کفش پلاستیکی می‌گذراندند و گاه از شدت سرما، چادر مادر را به دور خود می‌پیچیدند و گاه به آفتاب تائیده بر دیوار پناه می‌بردند تا کمی گرم شوند در مقابل، بهار فصل فرار از سرما، فصل کوچ ایل به ارتفاعات تنگل و فصل شیر و ماست بود. در این منطقه خوشی‌ها، سختی‌ها و کار کردن‌های مداوم جزئی از زندگی بود (همان، ص ۲۶-۲۳). حاج قاسم در دوران کودکی و در آن منطقه قدرت خداوند را در تفکیک شدن گوسفندان در دل شب و رفتن به سمت خانه صاحب خود می‌دیدید (همان، ص ۳۴) و معتقد بود صدای غلت خوردن و زلالی و پاکی آب جاری در آن منطقه روح آدمی را صیقل می‌دهد (همان، ص ۳۸).

غذا عموماً در آن منطقه نان گندم بود که گاه برای آن که گندم تمام زمستان تا ماه دوم بهار کفاف خانواده را بدهد، مادر هفته‌ای یکی دو بار نان ارزن می‌پخت و گاه مقداری نخود سبز داخل گندم‌ها می‌ریخت (همان، ص ۲۸). و گاه به آرد گندم، آرد جو و آرد گرو اضافه می‌کرد (همان، ص ۳۵). در سال دو یا سه بار نیز برنج می‌خوردند (همان، ص ۲۹). به هر حال در آن منطقه زندگی با فقر و زحمت بسیار همراه بود (همان، ص ۲۵). و سردار سلیمانی سخت‌کوشی و به فکر فقرا بودن را در این منطقه

آموخته‌است. در میان مردم آن منطقه توجه به زیارات و امام‌زاده‌ها، پختن آش نذری و آش برای باران زیاد بود (همان، ص ۳۸). و فرهنگ نذر نیز جایگاه ویژه‌ای داشت (همان، ص ۲۹). و شاید وجود همین فرهنگ باعث شد تا حاج قاسم هنگامی که در کرمان در جستجوی کار بود برای پیدا کردن یک کار خوب نذر کند (همان، ص ۴۷). عزاداری امام حسین (ع) نیز جایگاه ویژه‌ای در آن منطقه داشت. این عزاداری یک ماه کامل در فصل کوچ ایل یعنی ماه اول پاییز انجام می‌شد و همه خانواده‌ها اعم از فقیر و غنی روزه امام حسین (ع) برگزار می‌کردند و شام می‌دادند (همان، ص ۳۹). وجود این فرهنگ باعث شده بود تا حاج قاسم از کودکی با روزه امام حسین (ع) رشد کند و از اول سال تا اوایل پاییز منتظر روزه‌خوانی‌ها باشد (همان، ص ۵۵).

بنابراین حاج قاسم در این محیط طعم فقر را چشید، سخت‌کوشی را آموخت و در محیط سرسبز و پر از نشاط آن قدرت خداوند را دید، نذر کردن و عزاداری برای امام حسین (ع) را آموخت و روحیه سلحشوری و عزت نفس را فرا گرفت.

سردار سلیمانی تا چهارده سالگی در منطقه‌ای با این ویژگی‌های آب و هوایی، تغذیه و آداب و رسوم زندگی کرد سپس در سن چهارده سالگی با اصرار خود برای پرداخت قرض پدر راهی کرمان شد. شهر کرمان بزرگ‌تر، دارای امکانات بیشتر با شیوه زندگی متفاوت از زندگی‌ای بود که حاج قاسم تا آن زمان در قنات ملک و ارتفاعات تنگل تجربه کرده بود (همان، ص ۴۲-۴۱).

حاج قاسم در آن شهر ابتدا در یک ساختمان در حال ساخت به مدت یک هفته مشغول کار شد که با توجه به جثه نحیف و سن کم در جستجوی کار دیگری برآمد (همان، ص ۴۵) و توانست در یک هتل، کار پیدا کند و برای کسب درآمد بیشتر، یک آبمیوه‌گیری خرید و در پیاده‌رو آبمیوه فروخت (همان، ص ۵۰) برخی از مسافران هتل با دیدن سن کم وی اصرار داشتند تا هزینه تحصیل او را بدهند ولی حاج قاسم نپذیرفت و معتقد بود همراه با کار کردن می‌تواند درس هم بخواند (همان، ص ۵۰). بعد از مدتی تصمیم گرفت شغل تخصصی‌تری داشته باشد به همین دلیل شش ماه سرمایه‌کاری را تجربه کرد (همان، ص ۵۸) و در نهایت در بخش کنتورخوانی سازمان آب مشغول به کار شد (همان، ص ۵۹).

حاج قاسم با بخشی از درآمدش وسایلی که نیاز داشت، می‌خرید و بخشی را پس‌انداز می‌کرد. با دوستش احمد اتاقی اجاره کردند و عموماً در همان اتاق از هم‌شهریانی که مهمان آن‌ها می‌شدند، یا بچه‌های یتیم همسایه و پیرزن صاحب‌خانه پذیرایی می‌کردند (همان، ص ۶۸؛ ۵۵؛ ۵۳).

بنابراین حاج قاسم از چهارده سالگی در کرمان زندگی مستقل از پدر و مادر را با دوستان در محیطی کاملاً متفاوت تجربه کرد. وی در آن شهر یاد گرفت کار کند و درآمدش را مدیریت نماید. مهمان‌نواز باشد و عزت نفسش را حفظ کند.

ورزش

یکی دیگر از عوامل محیطی بیرونی مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت سردار سلیمانی، ورزش است. ایشان در رشته‌های ورزش باستانی، کاراته، وزنه‌برداری و زیبایی اندام فعالیت می‌کرد (همان، ص ۵۳). ورزش باستانی برای ایشان بسیار مهم بود به گونه‌ای که در جریان فعالیت‌های انقلابی نیز رفتن به باشگاه ورزش باستانی را ترک نکرد (همان، ص ۶۹). و حتی زمانی که برای اولین بار به مشهد مشرف شد، یکی از برنامه‌های روزانه وی بعد از زیارت حرم امام رضا (ع) رفتن به زورخانه‌ای نزدیک حرم بود (همان، ص ۶۱). سردار اعتقاد داشت ورزش به ویژه ورزش باستانی که پایه و اساس اخلاقی و دینی دارد تأثیر زیادی بر اخلاق دینی وی گذاشته (همان، ص ۶۲) و باعث شده بود با وجود فساد رایج در جامعه آن زمان، ایشان به سمت فساد نرود (همان، ص ۵۳). همچنین روحیه ورزشی و آمادگی جسمانی ناشی از آن به ایشان شجاعتی بخشیده بود تا بدون ترس و بی‌پروا در مورد شاه و خانواده او سخن بگوید (همان، ص ۶۴-۶۵). و از درگیر شدن با پلیس در آن شرایط انقلابی شهر کرمان، هراسی به خود راه ندهد (همان، ص ۷۵).

حضور در مسجد و در محضر علما

یکی دیگر از عوامل محیطی بیرونی مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت سردار سلیمانی، حضور در مسجد و در محضر علما است. ایشان در سال ۱۳۵۵ به پیشنهاد دوستش احمد در جلسه ترجمه و تفسیر قرآن آیت الله عباس حقیقی در مسجد قائم شرکت می‌کرد و این حضور، مقدم‌های برای حضور وی در جلسات قرائت زیارت عاشورا با صد لحن و صد سلام تکیه فاطمیّه کرمان شد. سپس حاج قاسم در جلسه فردی روحانی به نام محمودی در مسجد امام معروف به مسجد ملک شرکت نمود. ایشان بسیار دل‌نشین و مستند سخنرانی می‌کرد و آدرس هر سطر از سخنانش را بیان می‌نمود و جمعیت زیادی برای شنیدن سخنانش در مسجد حاضر می‌شدند. حاج قاسم به شدت

تحت تأثیر صحبت‌های او بود و آرام آرام روح و تعصب مذهبی در وجودش در حال شکل گرفتن بود. (همان، ص ۵۶) همچنین وی در این سال‌ها به مسجد جامع کرمان که آیت الله علی اصغر صالحی در آن نماز می‌خواند، می‌رفت. بنابراین ایشان در مسجد جامع، مسجد قائم، تکیه فاطمیّه و مسجد امام معروف به مسجد ملک حاضر می‌شد. همچنین در اواخر سال ۱۳۵۵ سه جلسه در جلسات حجت الاسلام سید رضا کامیاب در مسجد قائم شرکت کرد (همان، ص ۵۹). با افزایش فعالیت‌های انقلابی در شهر کرمان، پاتوق حاج قاسم از تکیه فاطمیّه به مسجد جامع منتقل شد و اغلب اوقات در آنجا بود (همان، ص ۶۹). که این مسجد و مسجد امام محل اصلی تجمع انقلابی‌ها محسوب می‌شد و در آنجا اخبار انقلاب به صورت غیر سازمانی منتقل می‌شد (همان، ص ۷۰).

آشنایی با امام خمینی (ره)

یکی دیگر از عوامل محیطی بیرونی مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت سردار سلیمانی، آشنایی ایشان با امام خمینی (ره) است. حاج قاسم در اوایل سال ۱۳۵۶ در سفری که به مشهد دارند براساس توضیحات دو جوان به نام سید جواد و حسن با آیت الله خمینی (ره) آشنا شد و عکس یک مرد روحانی میان سال با عینکی بر چشم مشغول مطالعه که زیر آن نوشته شده بود «آیت الله العظمی سید روح الله خمینی» را از آن‌ها تحویل گرفت. حاج قاسم به شدت به عکس علاقه‌مند شد و آن را زیر پیراهن چسبیده به قلبش پنهان نمود و در حالی که احساس می‌کرد حامل یک شیء بسیار ارزشمند است. عکس را به کرمان برد (همان، ص ۶۴-۶۵). این عکس، آینه روزانه وی شد و روزی چند بار در آن می‌نگریست. گویا آیت الله خمینی بخشی از وجودش شده بود (همان، ص ۶۵). این عشق و علاقه در اواخر سال ۱۳۵۶ بیشتر شد، هنگامی که سردار برای دریافت گواهی‌نامه راهنمایی و رانندگی به مرکز راهنمایی و رانندگی رفت و مأموران او آر به علت دیوار نویسی شبانه مورد ضرب و شتم قرار دادند با هر ضربه و لگدی که می‌خورد کلمه خمینی در عمق وجودش حک شد (همان، ص ۶۷-۶۸).

حاج قاسم امام خمینی (ره) را اسلام‌شناس بزرگی می‌دانست که با دقت کانون‌های این حکومت را بر مبنای اسلام بنا نهاد (سلیمانی، ۱۳۹۸، ص ۱۵۹). و توانست کشوری وابسته را به استقلال برساند (همان، ص ۱۵۸). و در وصیت‌نامه خویش امام خمینی را یکی از برجسته‌ترین اولیای خدا که قرین و قریب معصوم و عبد صالح خداست، می‌داند و خداوند را به خاطر درک او و سربازی رکابش سپاس می‌گوید (طهماسبی، موسوی، قربانی، ۱۳۹۹، ص ۲۳۳).

انقلاب

یکی دیگر از عوامل محیطی بیرونی مؤثر بر شکل‌گیری سردار سلیمانی، شرایط انقلابی شهر کرمان است. حاج قاسم معتقد است، انقلاب بی‌باکی و شجاعتی به آن‌ها بخشیده بود که ترسی از فعالیت‌هایی که انجام می‌دادند، نداشتند (سلیمانی، ۱۳۹۹، ص ۷۵). ایشان در آن شرایط نمی‌دانست چه زمانی ناهار و شام می‌خورد. به اسم اعتصاب در محل کارش در سازمان آب حاضر نمی‌شد و مسجد جامع پاتوق تابش شده بود (همان، ص ۷۳).

عوامل درونی

گروه دیگری از عوامل محیطی مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت فرد، عوامل درونی هستند. این عوامل مربوط به درون انسان هستند (همت بناری، ۱۳۸۶، ص ۱۰۳). در مورد سردار سلیمانی می‌توان دو عامل اراده و اعتقادات مذهبی را به عنوان دو عامل درونی محیطی مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت ایشان نام برد.

اراده

یکی از عوامل محیطی درونی مؤثر بر شخصیت فرد، اراده است. اراده عاملی موازی با دو عامل وراثت و محیط محسوب می‌شود؛ یعنی فرد ممکن است با تکیه بر قابلیت‌ها و توانمندی‌های خود مسیری متمایز از آنچه داشته‌های وراثتی‌اش یا آنچه محیط فرهنگی و اجتماعی پیرامونش اقتضا می‌نماید، انتخاب کند و شخصیت خود را آن‌گونه که می‌خواهد بسازد (همت بناری، ۱۳۸۶، ص ۱۱۰).

مطالعه دست‌نوشته‌های سردار سلیمانی نشان می‌دهد ایشان از اراده‌ای قوی برخوردار بود و زمانی که تصمیم به انجام کاری می‌گرفت تمام تلاش خود را صرف رسیدن به آن هدف می‌نمود و حتی اگر بنا به دلایلی مجبور به تغییر مسیر می‌شد ولی در نهایت به هدف می‌رسید. به عنوان مثال وی در سن چهارده سالگی برای پرداخت قرض پدر راهی کرمان می‌شود تا کاری بیابد و بتواند بدهی پدر را بپردازد. در ابتدا پدر و مادر مخالفت می‌کنند ولی با اصرار فراوان فرزند، قبول می‌کنند (سلیمانی، ۱۳۹۹، ص ۴۲). در کرمان، حاج قاسم

در یک ساختمان در حال ساخت مشغول به کار می‌شود که با توجه به جُنه نحیف و سن کم به جستجوی کار دیگری می‌پردازد و حتی برای پیدا کردن یک کار خوب، نذر می‌کند (همان، ص ۴۶-۴۳) و موفق می‌شود در یک هتل کار پیدا کند سپس برای کسب درآمد بیشتر با تهیه یک دستگاه آبمیوه‌گیری در پیاده‌رو آبمیوه می‌فروشد و پس از پنج ماه مبلغ ۱۲۵۰ تومان پس‌انداز می‌کند که هزار تومان را برای پدر می‌فرستد (همان، ص ۵۱-۵۰). یا در نمونه‌ای دیگر حاج قاسم در جریان فعالیت‌های انقلابی تصمیم می‌گیرد یک سلاح تهیه کند به همین دلیل ابتدا یک سلاح مشقی می‌خرد سپس نقشه‌ای طراحی می‌کند تا با دوستش یک پاسبان را خلع سلاح کنند که نتوانستند نقشه را اجرا نمایند و در نهایت سه ماه بعد یک سلاح با آرم شاهنشاهی می‌خرد (همان، ص ۷۵-۷۴).

همچنین سردار اراده تغییر در صفات و ویژگی‌های خود را داشت و همواره مراقب اعمال و رفتار خود بود. زیرا اعتقاد داشت همیشه دو نیروی متضاد در وجود انسان است که یکی او را به سوی شیطان و دیگری او را به سوی خدا می‌کشد و این انسان است که هنگام اتخاذ هر تصمیمی باید خدا را در نظر بگیرد (سلیمانی، ۱۳۹۸، ص ۵۳). و معتقد بود اگر وی به عنوان یک فرمانده فاقد معنویت باشد، نمی‌تواند انتظار داشته‌باشد جامعه دارای معنویت باشد (همان، ص ۱۴۸). پس او باید معنویت داشته‌باشد و این معنویت را حفظ کند.

اعتقادات مذهبی

یکی دیگر از عوامل درونی مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت سردار سلیمانی، اعتقادات مذهبی است. حاج قاسم معتقد است اعتقاد دینی عاملی بود که با وجود فساد رایج در جامعه به سمت فساد نرود (سلیمانی، ۱۳۹۹، ص ۵۳). اعتقادات دینی که با نوع رفتار پدر و مادر (همان، ص ۳۸) و حضور در مسجد و در محضر علما در وجوش شکل گرفت و نهادینه شد (همان، ص ۵۶). انگیزه‌ای شد برای اینکه سال ۱۳۵۳ وقتی شنید شاه اجازه برگزاری روضه امام حسین (ع) را نمی‌دهد با صدای بلند بگوید: «غلط می‌کنه!» (همان، ص ۵۵) و یا هنگامی که در سال ۱۳۵۵ یک پاسبان شهربانی در روز عاشورا به یک دختر جسارت کرد بدون توجه به عواقب کار به سمت پاسبان رفت و با چند ضربه کاراته او را نقش بر زمین کرد و با سرعت فرار نمود و زیر یکی از تخت‌های هتل مخفی شد و جستجوی مأموران برای پیدا کردن وی بی‌نتیجه ماند (همان، ص ۶۰).

از دیدگاه حاج قاسم عامل مذهب به معنای محوریت دین در جامعه و توجه به معنویت و حاکمیت معنویت در جامعه اولین عامل سبب‌ساز موفقیت است و اثر گذارترین عامل در شکل‌پذیری نیروهای متحد محسوب می‌شود و هیچ عاملی به اندازه مذهب در قبول ایثار و فداکاری اثرگذار نیست (انتشارات تقدیر، ۱۳۹۹، ص ۸۹).

نتیجه‌گیری

سردار قاسم سلیمانی یکی از برجسته‌ترین افراد جهان معاصر است که شایسته است در مورد عوامل محیطی مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت ایشان بررسی شود. نوشتار حاضر با استناد به دست‌نوشته‌های وی در کتاب «از چیزی نمی‌ترسیدم» به واکاوی این عوامل از بدو تولد تا سال ۱۳۵۷ می‌پردازد. مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت سردار قاسم سلیمانی را می‌توان به دو دسته عوامل بیرونی و درونی تقسیم نمود.

یکی از مهم‌ترین عوامل بیرونی مؤثر بر شخصیت ایشان خانواده است که شامل والدین، ترتیب تولد و خواهران و برادران می‌شود. حاج قاسم معتقد است نوع رفتار پدر و مادر سبب شده‌بود تا ایشان بدون دانستن حقیقت دین از کودکی به دین علاقه‌مند شود. همچنین مناعت طبع و عزت نفس را نیز از آنان بیاموزد. از طرفی پدر سردار سلیمانی، فردی مقید به مسائل عبادی، مهمان‌نواز با احساس مسئولیت بالا نسبت به افراد جامعه، علاقه‌مند به فرزندان و در عین حال اهل واگذاری مسئولیت به فرزندان و راهنمایی و ارشاد کردن آنان بود. مادر ایشان نیز فردی، مهربان و دلسوز، سخت‌کوش و پرتلاش، مهمان‌نواز و بخشنده، مقید به رعایت حقوق دیگران و دارای احساس مسئولیت در قبال شرایط سخت زندگی دیگران بود. که این در شکل‌گیری شخصیت سردار سلیمانی بسیار مؤثر بود. همچنین وی فرزند وسط خانواده بود و ضمن تأثیرپذیری از خواهر و برادر بزرگ‌تر بر خواهر و برادر کوچک‌تر نیز تأثیر می‌گذاشت. خواهران و برادران حاج قاسم یک رابطه متقابل عاطفی، حمایتگری و الگو بودن نسبت به هم داشتند. خواهر و برادر بزرگ‌تر حامی و الگوی خواهران و برادران کوچک‌تر از جمله حاج قاسم بودند و وی نیز حامی و الگوی برادر کوچک‌تر بود و در عین حال نسبت به شرایط برادر بزرگ‌تر نیز احساس مسئولیت می‌کرد.

دومین عامل از عوامل بیرونی مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت سردار سلیمانی همسالان و دوستان وی بودند که زمینه‌آشنایی ایشان با مسجد، علما و فساد و ظلم شاه را فراهم نمودند و در فعالیت‌های انقلابی نیز همراه هم بودند و به لحاظ اعتقادی، فکری، اخلاقی و فرهنگی بر هم تأثیر متقابل داشتند.

سومین عامل از عوامل بیرونی مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت سردار سلیمانی مدرسه بود. مدرسه محل تحصیل ایشان در روستای قنات ملک، جوی خشن و تنبیهی داشت؛ به همین دلیل تعطیل شدن مدرسه و دریافت کارنامه قبولی با نمره سیزده برای ایشان اهمیتی نداشت.

محیط طبیعی و جغرافیایی نیز چهارمین عامل بیرونی بود که بر شکل‌گیری شخصیت سردار سلیمانی مؤثر بود. حاج قاسم در منطقه‌ای با سبک زندگی عشایری و قبیله‌ای با زمستان‌های سرد و بهار سرسبز متولد شد و تا چهارده سالگی در آنجا رشد نمود. وی در این محیط طعم فقر را چشید، سخت‌کوشی را آموخت و در محیط سرسبز و پر از نشاط آن، قدرت خداوند را دید، نذر کردن و عزاداری برای امام حسین (ع) را آموخت و روحیه سلحشوری و عزت نفس را فرا گرفت.

حاج قاسم از چهارده سالگی در کرمان زندگی مستقل از پدر و مادر را با دوستان در محیطی کاملاً متفاوت تجربه کرد. وی در آن شهر یاد گرفت، کار کند و درآمدش را مدیریت نماید. مهمان‌نواز باشد و عزت نفسش را حفظ کند.

پنجمین عامل از عوامل بیرونی مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت سردار سلیمانی، ورزش بود. ایشان اعتقاد داشت ورزش به ویژه ورزش باستانی تأثیر زیادی بر اخلاق دینی، کشیده نشدن به فساد و تقویت شجاعت وی گذاشته‌است.

حضور در مسجد و در محضر علما ششمین عامل بیرونی بود که بر شکل‌گیری شخصیت سردار سلیمانی تأثیر داشت و سبب شد تا به تدریج روح و تعصب مذهبی در وجود ایشان شکل بگیرد.

آشنایی با آیت‌الله خمینی (ره) نیز به عنوان هفتمین عامل بیرونی بر شکل‌گیری شخصیت ایشان تأثیر گذاشته بود. سردار احساس می‌کرد ایشان بخشی از وجودش شده‌است.

هشتمین عامل از عوامل بیرونی مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت سردار سلیمانی، شرایط انقلابی جامعه بود. حاج قاسم معتقد بود، انقلاب بی‌باکی و شجاعتی به آن‌ها بخشیده بود که ترسی از فعالیت‌هایی که انجام می‌دادند، نداشتند.

عوامل درونی مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت سردار سلیمانی داشتن اراده قوی و اعتقادات مذهبی بود. مطالعه دست‌نوشته‌های سردار سلیمانی نشان می‌دهد ایشان از اراده‌ای قوی برخوردار بود و زمانی که تصمیم به انجام کاری می‌گرفت تمام تلاش خود را صرف رسیدن به آن هدف می‌نمود و حتی اگر بنابه دلایلی مجبور به تغییر مسیر می‌شد ولی در نهایت به هدف می‌رسید. همچنین ایشان معتقد بود باورهای دینی باعث شده بود تا با وجود فساد رایج در جامعه، وی به سمت فساد نرود.

پیشنهادها و راهکارها

۱- پیشنهاد می‌شود برای تربیت نسلی مانند حاج قاسم سلیمانی، پدر و مادر اخلاق و رفتاری متناسب با اعتقادات و باورهای شان داشته باشند و به آنچه می‌گویند، عمل کنند و بدانند اخلاق، رفتار، افکار و اعتقادات آن‌ها در شکل‌گیری شخصیت فرزندشان بسیار مؤثر است بنابراین آن‌گونه زندگی کنند که دوست دارند فرزندشان در آینده آن‌گونه باشد. فرد و خانواده در انتخاب دوست دقت کنند. همچنین والدین به محیط مدرسه و نحوه رفتار معلم و مدیر دقت نمایند و تلاش کنند تا فرزندشان با مسجد و علما مانوس باشد و ورزش مناسب و مفید را جزئی از برنامه‌های زندگی قرار دهد و اراده قوی و اعتقادات مذهبی را در او تقویت نمایند.

۲- با توجه به این که در این مقاله عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت سردار سلیمانی از بدو تولد تا سال ۱۳۵۷ بررسی شد، پیشنهاد می‌شود در مقاله دیگری به عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت ایشان بعد از این دوره زمانی، پرداخته شود، عواملی مانند شغل ایشان و متناسب با آن شغل، حضور در میدان‌های مختلف نبرد اعم از دفاع مقدس، مقابله با اشرار و مبارزه با داعش، دوستان دوران دفاع مقدس ایشان، همسر و عواملی از این قبیل.

۳- داده‌های این مقاله به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است که مهم‌ترین و مستندترین و حتی تنهاترین منبع، دست‌نوشته‌های سردار سلیمانی بود. پیشنهاد می‌شود در مقاله‌ای دیگر، با این موضوع مشترک داده‌ها به روش میدانی نیز گردآوری شود تا این دو مقاله مکمل یکدیگر شوند.

تقدیر و تشکر

بدینوسیله از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه بزرگمهر قائنات به خاطر حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.

منابع

- امام خامنه‌ای، سید علی. بیانات برگزیده مقام معظم رهبری، <https://farsi.khamenei.ir>
- انتشارات تقدیر (۱۳۹۹). سردار دل‌ها (خاطرات و زندگی شهید سیهید حاج قاسم سلیمانی). چاپ پنجم. تهران؛ انتشارات تقدیر.
- سلیمانی، قاسم (۱۳۹۸). ذوالفقار: جستاری در خاطرات و مواضع حاج قاسم سلیمانی. چاپ سیزدهم. تهران؛ نشر یا زهرا سلام الله علیها.
- سلیمانی، قاسم (۱۳۹۹). از چیزی نمی‌ترسیدم: زندگی‌نامه خودنوشت قاسم سلیمانی ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۷. چاپ هشتاد و چهار. تهران؛ مکتب حاج قاسم.
- طهماسبی، عالمه؛ موسوی، لیلا و قربانی، مهدی (۱۳۹۹). سلیمانی عزیز: گذری بر زندگی و رزم سردار شهید حاج قاسم سلیمانی. چاپ شصت و هفتم. قم؛ حماسه یاران.
- فیست، جس، گریگوری جی فیست و تامی آن رابرتست (۱۳۹۷). نظریه‌های شخصیت. مترجم یحیی سید محمدی. چاپ هفدهم. ویراست هشتم. تهران؛ نشر روان.
- کریمی، یوسف (۱۳۷۸). روان‌شناسی شخصیت. چاپ پنجم. تهران؛ مؤسسه نشر ویرایش.
- مرزانی، راضیه (۱۳۹۷). عوامل تأثیرگذار بر شخصیت انسان. پایگاه راسخون، <https://rasekhoon.net/article/show/1387822>.
- همت بناری، علی (۱۳۸۶). شخصیت و مهم‌ترین عوامل غیر وراثتی شکل‌گیری آن (با تأکید بر دیدگاه روان‌شناسان شخصیت). نشریه معرفت. شماره ۱۱۹.

تحليل العوامل البيئية المؤثرة في تكوين شخصية السردار قاسم سلجاني

روح اله بورعدين*^{ID}بتول ضرابي**^{ID}

معلومات المادة	خلاصة
نوع المقال: مقال بحثي	يعد سردار قاسم سلجاني أحد الشخصيات المعروفة في العصر الحالي، ودراسة كيفية تكوين هذه الشخصية يمكن أن تساعد أفراد المجتمع في تربية جيل مثله وفي هذا البحث، وبالرجوع إلى مخطوطاته في كتاب "لم أخاف من شيء"، تم بحث العوامل البيئية المؤثرة في تكوين شخصيته منذ ولادته إلى عام ١٣٥٧ طريقة جمع المعلومات هي المكتبة وطريقة معالجة المعلومات هي الوصفية والتحليلية يمكن تقسيم العوامل البيئية المؤثرة في تكوين شخصية سردار سلجاني إلى فئتين، عوامل خارجية وعوامل داخلية وتشمل العوامل الخارجية الأسرة بما في ذلك الأب والأم، وترتيب الميلاد، والأشقاء، والأقران والأصدقاء، والمدرسة، والبيئة الطبيعية والجغرافية، والرياضة، والذهاب إلى المسجد وحضور العلماء الامام الخميني (رض) والظروف الثورية للثورة. المجتمع الداخلي وتشمل: الإرادة والمعتقدات الدينية.
الكلمات الرئيسية: العوامل البيئية، تكوين الشخصية، قاسم سلجاني، العوامل الخارجية، العوامل الداخلية.	
تاريخ الاستلام: ٢٤ شوال ١٤٤٥ تاريخ المراجعة: ١٠ ذوالحجة ١٤٤٥ تاريخ القبول: ١٩ ذوالحجة ١٤٤٥ تاريخ النشر على الإنترنت: ٦ ربيع الأول ١٤٤٦	
	

إقتباس: بورعدين، روح اله و ضرابي، بتول (١٤٠٣). تحليل العوامل البيئية المؤثرة في تكوين شخصية السردار قاسم سلجاني. مجلة مدرسة الحاج قاسم سلجاني التعليمية، (١)، ٧٩-٩٢.

الناشر: جامعة الشهيد باهنر كرماني

DOI: 10.22103/mhq.2024.23369.1016

©The Author(s)

* مؤلف مراسل، أستاذ مساعد، قسم الدراسات الإسلامية، كلية العلوم الإنسانية، جامعة بزورمهر قائنات، قين، إيران. بريد إلكتروني: hoda124@gmail.com

** طالب ماجستير، قسم علوم القرآن، جامعة علوم القرآن والتربية، طهران، إيران. بريد إلكتروني: moshaver_oz@yahoo.com